

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

نذیر دلسوز  
۲۹ نومبر ۲۰۱۴

## به یاد آن که تسلیم نشد



### آرش واحدی

آقای «آتش» متن ذیل را در باره «آرش واحدی» جوان تسلیم ناپذیر ایرانی در فیسبوک منتشر کرده است. در ذیل نوشته «آتش»، این قلم سروده اش را در همین رابطه بازتاب داده که اینک عرض نشر به پورتال پر محتوا و پر خواننده تان ارسال شد. پیروزی های باز هم بیشتر شما کمال آرزوی خوانندگان می باشد.  
نذیر دلسوز ۲۷ دسمبر ۲۰۱۴

### زندانی سیاسی آزاد باید گردد

نومبر ۲۱

به یاد آن که تسلیم نشد

آرش واحدی پسر ۱۷ ساله تهرانی به جرم ارتداد به مرگ محکوم شد. ماجرا در روزی از روزهای تعطیل به مناسبت سالگرد ارتحال خمینی شروع شد. اواسط خرداد ماه [جوزا] امسال، آرش در پارک با یک شیشه مشروب الکلی دستگیر می شود. در درگیری لفظی، مأمورین به اعتقادات او مشکوک می شوند و به خاطر پافشاری آرش بر حرفها و عقایدش، روانه زندانش می کنند. کتابهای یافت شده در منزل وی از جمله آیات شیطانی و چند کتاب از مارکس و داروین ضمیمه پرونده می شود تا قاتلان بساط خونریزی را جور کنند. آرش واحدی از پیشنهاد برگشت به اسلام و اظهار پشیمانی شجاعانه خودداری کرد و حکم قاضی بیرحم جامه عمل پوشید. آرش قبل از اجرای حکم ناپدید شده بود. وکیلش هیچ

اثری از او در زندانهای جمهوری اسلامی پیدا نکرد. حتی با مراجعه به دادگاه جواب منفی گرفت و هیچ نامی از او در پرونده ها یا کامپیوتر های قوه قضائیه نیافت. پس از گذشت چند هفته از گم شدن آرش از پزشکی قانونی خبر می رسد که جنازه او مدتهاست در سردخانه پزشکی قانونی است و از خانواده آرش می خواهند تا جنازه را تحویل بگیرند. آرش واحدی را در نیمه اول مهر ماه [میزان] به قتل رساندند. او در برابر بیعدالتی زانو خم نکرد و زمانی به زمین افتاد که دیگر مرده بود. آرش و امثال آرش همیشه در خاطره ما زنده خواهند ماند تا محکمتز در مسیر سرنگونی رژیم قدم بگذاریم.

«آتش»

### به آرش واحدی

افتخار به باورت

و به استواری ات درود

ای شجاع ترین

فرزند بابک

که معتصم بالله های برخاسته

از گورستان آن طرف سده ها

تو را قربانی خدای شان کردند

که آرگاه و بارگاهش در میان تالاب خون است .

\*\*\*

باز می رونی از بستر تضاد روشنائی با جهولان

که باخرافه های بویناک و خنده بر انگیز شان

جنتی ساخته اند از برای خود

و دوزخ از برای دیگران

در همین دنیا !

\*\*\*

ای مردم !

بروید آن جانورانی که خدای اصلی شان

سرمایه سالاران دوران است ؛

که چنین کردند با فرزند برومندتان !

گلی به مزار تو ،

ای که تو خود ، گلی بودی سرخ و فروزان

در انتظار طلوع دیگر

طلوع های سرخ را می شمرم

\*\*\*\*\*

دلسوز ( ۲۴ نومبر ساعت ۷ و ... صبح )